

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

خلیل الله معروفی

۲۹ مارچ ۲۰۲۵

تذکر:

آنچه از نظر خواننده ارجمند پورتال فحیم "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگذرد، به تاریخ پنجم سپتمبر ۲۰۲۲ روی کاغذ نقش بسته و در صفحه همان روز وبسایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر گشته بود. لازم دیدم، که آن را اینک با اضافه کردن چند بیت و ترتیب مقطع با ذکر نام شاعر، و به حیث "درد دل"، به حضور اهل فضل و خوانندگان وطنپرست این پورتال فاخر تقدیم کنم.

(خلیل الله معروفی – جرمنی – ۲۶ مارچ ۲۰۲۵)

افسرده روانها

استقبال از اشعار شاهوار

ضمن مقاله چند روز پیش وطندار ارجمند و گرامی ما، آقای "رحیم شنسب"، اشعار آبداری چند از شاعر جوان و دریگوی پاکستانی با نام مستعار "احمد شهریار"، معرفی شده بود، که از جمله منظومه ای در میان آن در وصف مردم ما سروده شده است. استاد سخن و ملک الشعراء عالی مقام، "استاد محمد نسیم اسیر"، از همین منظومه استقبال کرده و مصراع دوم مقطع آن را تضمین فرمودند. این امر نکو طبع آماتور و خودآموز مرا نیز دکه داد، که چنگی بزند و از دردها و رنجهای بیکران مردم جفا دیده و ستمکش و بلکه "ستمکش" ما شمه ای را بر زبان آرد؛ و حاصل آن نشیده ای شد، که اینک با کمال ارادت تقدیم میگردد.

در اول و به گفته شیرین و پرحلاوت عامیانه کابلی، "اول به اول"، میخوام آن نشیده نغز "احمد شهریار" را با تصحیح اشتباهات "احتمالاً تاییبی" در مصراع اول مطلع و مصراع دوم بیت سوم، نقل کنم:

از زخم تنت، آتشی افتاده به جانها بند آمده از شدت درد تو، زبانها
غم بود و الم بود و جفا بود و ستم بود ما هرچه شنیدیم، از اینها و از آنها
بر بام فلک نیست مگر طائر فریاد؟ کز خاک نخیزد، مگر آواز فغانها
پرسید، که این شهر، که گفتید کجا هست؟
جائی، که به پیری نرسیدند جوانها

و استاد سخن جناب «ملک الشعراء، محمد نسیم اسیر» در استقبال چنین انشاد فرمودند:

شهر ویران!!!

شهری، که زیون گشته، زبانها ز بیانها
شهری، که فرو ریخته از کنگره عرش
عمری ست زمانی، که به خون میتد این شهر
شهری، که دیانت شده باز یچه طالب
مادر ره اسلام سر و مال سپردیم
شهری، که به نامردی به زنها بستیزند
شهری، که "اسیر" غم و اندیشه و درد است
«جائی، که به پیری نرسیدند جوانها»

و اینک منظومه استقبالیه این درویش از هردو منظومه شهوار:

افسرده روانها

اوضاع وطن گشته پریشان، ز زمانها
حیران و فرو مانده به درگاه خداوند
تیری ز قضا شد، مگر از پنجه تقدیر
دیروز و پریروز چه دیدیم، که امروز
از کشور آفت زده؛ وز مردم رنجور
از کشور غمدیده و محتاج دو عالم
گه طالب و گه "غالب"؛ و گه خیل مجاهد
گه خاطی و گه جافی و گه جانی و زانی
گه راکع و گه ساجد و گه عابد و زاهد
بر فرق وطن کوفته و عربده جُستند
سرگشته و بیچاره و آواره گیتی
یا رب تو همیدانی و تقدیر همین است؟؟؟
وز "باد هوا" نیست؟، که بشکسته دهانها

فریاد حزین دل "معروفی" مسکین

بُرندۀ تر از تیر و تبر است؛ و سنانها

شرح چند لغت:

- "افسرده روان": مراد از "مریض روحی" و یا "بیمار روانی" ست

- "لال": کلمه دری و در معنای "گنگ" یا "گنگه"

- "خاطی": کلمه عربی و اسم فاعل از "خطاء" و به معنای "خطاکار"

- "جافی": کلمه عربی و اسم فاعل از "جفاء" و در معنای "جفاکار" یا "ستمگر"
- "جانی": کلمه عربی و اسم فاعل از "جنایت"؛ پس جانی" به معنای "جنایتکار" است.
- "زانی": اسم فاعل از "زناء" و کلمه عربی ست و به معنای "زناکار"
- "راکع": اسم فاعل از "رکوع"؛ پس "راکع"؛ یعنی "رکوع کننده"
- "ساجد": اسم فاعل از "سجود"؛ پس "ساجد"؛ یعنی "سجده کننده"
- "کیان": کلمه عربی و در معنای "هست و بود" یا "تمام هستی" ست
- "بادِ هوا": اصطلاح شیرین عامیانه کابلی و مراد ازان، "بدون علت" و یا "بی هیچ چیز" است؛ چنان، که از روی طنز و گور و کنایه گویند: «فلانی از باد هوا زنده اس!!!»

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۱۹ مارچ ۲۰۲۵)

افسرده روانها

[Maroofi_k_afsorda_rawaanhaa.pdf](#)